

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه کوردستان

بهبیح حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴۰ ریال

شنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۲۴

یک پرده از یک تاتر

و خیال کردید بصرف اظهاری بنه و بار سرکار همه مردم فرمایش آن عالیجناب را قبول و آن روزنامه هم از امرش آن روش صورت تلقش و اقطاع خواهد کرد.

آیا شما میپنوراید این ادعای خود را ثابت فرمایید؟ آیا شما روزنامه‌های دزفهران میپنوراید که منتسب برزایبها باشد؟ یا آری منشی و مضموم کنه منتسب و امیدارید؟ یا خیالی کردید این روزنامه‌ای اگر راجع به شخصی یا موضوعی یک یا چند مقاله نوشت آری منتسب با آن شخص یا منتسب با آن موضوع میپنوراید؟ مثلا اگر روزنامه‌های دزفهران و دیگری دزفهران درباره کتک یا پیش مقالاتی نوشت لایه فوراً قدری فکر کرده با کتک سرشرا خود خواهد فرمود، یا ها آری آن روزنامه منتسب دزفهران و این یکی منتسب بکتک و پیش میپنوراید.

اگر مطبوعات روزنامه‌های هفت هفت هفت تهران را - ملاحظه فرمود، شاید از این عمل جلالت فرماده لشکرش در کردستان بسیاری از جرایم آزادخواه و پایتخت اظهار نفرت کرده‌اند. لایه شما عموماً آنها را منتسب برزایی‌ها میپنوراید یا اگر قدری بنگریم بر منشی خود زحمت دهید و ملاحظه نازنین را بنگارید خواهید فرمود: نه، اینها چون یکی دو مقاله بیشتر نوشته‌اند مثال برزایی‌ها هستند. فقط آن روزنامه سعی که مرهفته با محافت گویی های خود مارا دجال و بیع کرده منتسب با این گروه است.

آقای رئیس و رکن ۲ ستاد ارتش اگر شما حساب خود پیشین کاری کرده‌اید، خواه‌تد اشاره فرمایید هنوز دستگیر هرین و طویل شما قادر است برای مردم با پوش دوست کند و بدون ذکر نام و نامی که پیش از دیگر افعال تنگی حال شما در غربت لاش میکنه خواسته‌اید آری یک توب ازید این دو کتبه اشتباه فرموده‌اید. شما و روسای شما شاید خیلی ناراحت باشند از اینکه افعال غلطی را که در مناطق رکن ۲ ستاد ارتش شما انجام میپنوراید در - پایتخت نشان میپنوراید. شاید شما خیلی مایل باشید همان باز از خود معناری و ظلم و جور و طعنی در مناطق کرد شین حکمفرما باشد. شاید شما خیلی دلنجان بخواهد هر غلطی را که ما مورین شما در این نواحی میکنه کسی مفاومت کند، ولی شما باید بدانید که ایندولکت تیرول شما و قاتلان نیست این سلکت و املکت ایران میگوید امد ایرانی است و شما فقط با نده بگردد ایرانی باید از آن استفاده کنیید. شما اجازه داده نشود بدعا خود بیان و حال مردم بنایید. یا شما اجازه داده نشود برای تنگی مردم نام تازه خود میپنوراید مردم را بازیچه قرار دهید.

مرد زمانی که شما هر بیجائی میگویند مردم میپنوراید کور کوراه اطاعت کنه، مردم دیگر زربار خرد فرمایش شما نیروک پیش از این مع خود را باز کنیید، مردم دیگر از تهنه پندت شما بیرونده سازی یا کنی دانه

برسانند. و اجماع بکنیله نکاتی که در اخبار منتشر شده کجانیه شده فلا پیشی نیکنیم و از شاهم توشیحاتی نیخواهیم که برای دادن جواب دجار زحمت شویید ولی در عین خود، داری ناچاریم قستی از مقاله نامبرده را میناقض نموده و نظر نایکارانه ای که در تهیه آن کار برده، مطالب سازیم باخوانندگان بد بگره، مطالب دوج شده و ایشو خود بصداقت زحمت نونه خروار است: بی برنه اینک از حست،

«چون وظیفه ستاد ارتش در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و مناطق که دارای اهمیت بودند در این مورد مقدم آمد و با آنها (اشاره به مطایبه روزایبهاست) کفر کردید که اسلحه خود را پس بدهند ولی برعکس آنها شروع بنشیت کردند و خواسته ما مورین ارتش را هو کرده و با افعال آنها نامردم خود را از پیش برنه و حتی با قلاتی هم در یکی از - روزنامه‌های منتسب با این گروه که در تهران منتشر میشوید نوشته شد و از آنها حمایت و طرفداری میگردید و همین مقالات هم بواسیل مقتضی با آنها رسانیده شده پیش میگردید و آنها را بیشتر جری ساخت حتی در مجلس هم به فرمانده لشکر کردستان توهین شد تا او دیگر نتواند اقدامی -

برای رفع اختلاف بعمل آورد» آقای رئیس و رکن ۲ ستاد ارتش شما اظهار فرمودید روزنامه ای در - امر کرد منتشر میپنوراید که منتسب با تیکر و اسرت و اگر فارسی بداید عبارات این گروه و زایبها را میپنوراید و چون زایبها را اشرار معرفی فرمودید خواسته اید در نهایت احتیاط آن روزنامه و اطرفدار اشرار و بیانی آخو و اقلاب جلوه دهید

تا اثر نمایر مین برستانه (۱) عناصری صلح جو (۱) برپا شده هر روز شکلی برای - نامتاسیبان این کارزار تنگی نفسی می شود، بدون اینکه دخل و خرج سادسی یا مندی این نمایش در نظر گرفته شود هر چند روز یکبار متصدیان مسئول شاکهار های بازیگران آری در قالی غیر واقعی جلوه میپنوراید.

روزی اعلامی ستاد ارتش است که توب میپنوراید (۱) تلفات سنگین داده ولی عشتان بیبای نمانده، روز دیگر - اعلامی نیم رسمی همان منابع است که در لیبس و تیکارش خبر تیکار روزنامه اطلاعات سرلوحه یکی از مهندین جرایم پایتخت قرار میگیرد کسی هم نیپنوراید این نشیتان برای چیست.

روزنامه اطلاعات در مقاله شماره ۸۲۴ خود زیر عنوان «تعمیل وقایع کردستان» با حرف و ریز میپنوراید:

اطلاعات تیر و رکن ۲ ستاد ارتش دوم ستاد ارتش بختیگر لگاری رکن این اداره داده است... و پس از آن بیان مطالبی میپنوراید که اگر گویند تمام میپنوراید با گویند قسمت اعظم آن مورد تردید یا تنگیب است. با درج عبارات فوق روزنامه‌های اطلاعات از خود سلب مسئولیت میکنه لری تا بسیار باید معطاب برزایی رکن ۲ ستاد ارتش باشد.

آقای رئیس و رکن ۲ ستاد ارتش ما خیال داشتیم ملایه برآیند با تعال نوشته اینم فلا چیزی بنگاریم زیرا اختصار می کشیدیم آقای سرلشکر جبهائاتی که به کردستان ما مور شده‌اند نتیجه بازیچه های خود را کارش گفته، ولی گویا شما بسیار علائنه بدید که وقایع کردستان خیلی بیشتر صد کتکوا از اشرار پروا نداشته‌اند که مطالب دور از حقیقت و انسانی را به شیرکتا روزنامه اطلاعات داده تا دوسر مقاله خود باب و تاب با اطلاع هوطنان

فصل از اطلاعات

تفصیل وقایع کردستان

پادگان کردستان از تهران کرمانشاه تقویت شده است هیچکس از افسران در غائله اخیر کشته نشده اند آخرین اقدام ستاد ارتش برای رفع غائله

اطلاعات زیر را رئیس رکن دوم ستاد ارتش، خبیر نکسار این اداره ادهاست :

دور کردستان بر خلاف سایر نقاط تاریخی ایران و تیره های متعددی وجود دارد که کدام تا حد سه رده رتیبی و طرز آهنگ تیبیت میکنند کاهی بین طوایف و تیره های مختلف اختلاف تاده و بر علیه همدیگر شوریده و آشوب با میکنند بر خلاف در نقاط دیگر مثلا در خاک قشای اگر تیره ها متفق هم شده و رتیبی مینی دارند که همه اختلافات برادر رفع کرده و یا کدکشا منشی خود میکنند نظیر وقایع کردستان و غیره بعد از آنکه هر یک تیره ها متفق شدند و با یکدیگر تیره های مختلف کردستان بن است که این قسمت از ایران میجاور عراق میباشد بسیاری از عشایر و اشراف و خاک ایران شراکت میکنند امون را با حشدران و بنابر تیره میرتربک قتل لاس میگردند و بعد بغاک عراق بمانده می شوند و سابقا بکها با دولت عراق طی طرحی که تصویب شده بود مورد عمل قرار گرفته علا فراد استر دوجمین دریم با اینحال دولت عراق کاهی منجن هشتر و اشراف مسلح هر دم را بغاک غورنانه داده و بعد از اینکه آنها مجرم سیاسی هستند از استرداد آنها بدولت ایران خود داری میکنند و چه بسا اوقات که همین

اشراف مسلح که بغاک عراق بمانده اند دوباره با اسلحه با ایران هودت کرده و رتیبک شرازیهای مسلحانه می شوند ولی دولت ایران تا نتواند این عمل را با آنها تیره و دولت عراق را بدید با هم منتهی است که بگوید اشراف عراقی را ما باز داده دوباره با اسلحه بغاک عراق خودشان درین تار شراکت های مسلحانه خود داده اند

اما اینکه اسلحه ای که بدست عشایر کردستان افتاده از چه راه و بجه وسیله آنها رسیده باید گفت از اراضی مختلف و منابع مختلف این اسلحه بین آنها پخش کرده است در وقایع سوم تیره بورمه ناری اصل بدست آنها رسد و اندامت لازمی به عمل آمده که این اسلحه از دست آنها خارج گردد

مهمترین اقدامی که دولت از سوم شهریور با بصریح عمل آورد در واقع همه رشیدیود اختیار ما هم طایفه ای که اسلحه داشت نسبت به سایرین شراکت میگرد طایفه رزاینها بود که با آنکه بکو مهاجرتک نام مرتفع آن را در دست داشتند و اینکه پشت سر پا مرز عراق واقع شده بود موافق نا چاری میتوانست به آنها پناهنده

شده و از تنقیب موصون مانده مزاحمت سایر طوایف را فراموش می آوردند

چندین ماه فرمانده لشکر کردستان بوسالووا بجای مختلف با افساندر ملاکرمه بود که بلکه پشوان با سازش و توافق نظر اسلحه خود را بی بی بده و حتی مکرر در مکرر اعلامیه های کتبی و حملات برای برای آنها فرستاده و قاضی گردیدند و این نکتکه را هم باید گفت که در ضمن این عملیات طوایف میجاور آن ها خلع سلاح شد و در وقت عده کسی از آنها برای حفظ انتظام منطقه خود بنام مامورین نظامی اسلحه داشتند و دیگر کسی اسلحه نداشت بجز حال چون طوایف عرب در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و شرطی که دارای اعبت بودند و در این مورد مقدمه بیشتر این بود که اقدام مجامه ای عمل آمده و آنها کورد کردید که اسلحه خود را بی بی بدهند ولی بر عکس آنها شروع به تشنگت کرده و نواستند مامورین ارتش را زور کرده و با باغلق آنها مقاصد سوغت خود را از بیس برهت و حتی مقلانی هم در جنگ از روزنامه های منتسب باین گروه که در تهران منتشر می شوند نوشته شد و از آنها حمایت و طر فداری گردید و همین به آلات هم بوسالووا منتسب آنها وسایط شده بعد پیش کردید و آنها را بیشتر چری ساخت حتی در میجاوس هم بفرمانده لشکر کردستان توخین شد تا از دیگر تواران اقدامی برای رفع اختلاف بعمل آورد

چندین ماه فرمانده لشکر کردستان بوسالووا بجای مختلف با افساندر ملاکرمه بود که بلکه پشوان با سازش و توافق نظر اسلحه خود را بی بی بده و حتی مکرر در مکرر اعلامیه های کتبی و حملات برای برای آنها فرستاده و قاضی گردیدند و این نکتکه را هم باید گفت که در ضمن این عملیات طوایف میجاور آن ها خلع سلاح شد و در وقت عده کسی از آنها برای حفظ انتظام منطقه خود بنام مامورین نظامی اسلحه داشتند و دیگر کسی اسلحه نداشت بجز حال چون طوایف عرب در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و شرطی که دارای اعبت بودند و در این مورد مقدمه بیشتر این بود که اقدام مجامه ای عمل آمده و آنها کورد کردید که اسلحه خود را بی بی بدهند ولی بر عکس آنها شروع به تشنگت کرده و نواستند مامورین ارتش را زور کرده و با باغلق آنها مقاصد سوغت خود را از بیس برهت و حتی مقلانی هم در جنگ از روزنامه های منتسب باین گروه که در تهران منتشر می شوند نوشته شد و از آنها حمایت و طر فداری گردید و همین به آلات هم بوسالووا منتسب آنها وسایط شده بعد پیش کردید و آنها را بیشتر چری ساخت حتی در میجاوس هم بفرمانده لشکر کردستان توخین شد تا از دیگر تواران اقدامی برای رفع اختلاف بعمل آورد

چندین ماه فرمانده لشکر کردستان بوسالووا بجای مختلف با افساندر ملاکرمه بود که بلکه پشوان با سازش و توافق نظر اسلحه خود را بی بی بده و حتی مکرر در مکرر اعلامیه های کتبی و حملات برای برای آنها فرستاده و قاضی گردیدند و این نکتکه را هم باید گفت که در ضمن این عملیات طوایف میجاور آن ها خلع سلاح شد و در وقت عده کسی از آنها برای حفظ انتظام منطقه خود بنام مامورین نظامی اسلحه داشتند و دیگر کسی اسلحه نداشت بجز حال چون طوایف عرب در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و شرطی که دارای اعبت بودند و در این مورد مقدمه بیشتر این بود که اقدام مجامه ای عمل آمده و آنها کورد کردید که اسلحه خود را بی بی بدهند ولی بر عکس آنها شروع به تشنگت کرده و نواستند مامورین ارتش را زور کرده و با باغلق آنها مقاصد سوغت خود را از بیس برهت و حتی مقلانی هم در جنگ از روزنامه های منتسب باین گروه که در تهران منتشر می شوند نوشته شد و از آنها حمایت و طر فداری گردید و همین به آلات هم بوسالووا منتسب آنها وسایط شده بعد پیش کردید و آنها را بیشتر چری ساخت حتی در میجاوس هم بفرمانده لشکر کردستان توخین شد تا از دیگر تواران اقدامی برای رفع اختلاف بعمل آورد

چندین ماه فرمانده لشکر کردستان بوسالووا بجای مختلف با افساندر ملاکرمه بود که بلکه پشوان با سازش و توافق نظر اسلحه خود را بی بی بده و حتی مکرر در مکرر اعلامیه های کتبی و حملات برای برای آنها فرستاده و قاضی گردیدند و این نکتکه را هم باید گفت که در ضمن این عملیات طوایف میجاور آن ها خلع سلاح شد و در وقت عده کسی از آنها برای حفظ انتظام منطقه خود بنام مامورین نظامی اسلحه داشتند و دیگر کسی اسلحه نداشت بجز حال چون طوایف عرب در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و شرطی که دارای اعبت بودند و در این مورد مقدمه بیشتر این بود که اقدام مجامه ای عمل آمده و آنها کورد کردید که اسلحه خود را بی بی بدهند ولی بر عکس آنها شروع به تشنگت کرده و نواستند مامورین ارتش را زور کرده و با باغلق آنها مقاصد سوغت خود را از بیس برهت و حتی مقلانی هم در جنگ از روزنامه های منتسب باین گروه که در تهران منتشر می شوند نوشته شد و از آنها حمایت و طر فداری گردید و همین به آلات هم بوسالووا منتسب آنها وسایط شده بعد پیش کردید و آنها را بیشتر چری ساخت حتی در میجاوس هم بفرمانده لشکر کردستان توخین شد تا از دیگر تواران اقدامی برای رفع اختلاف بعمل آورد

نذکر

کاهی نامه های بدقت روزنامه میرسد که بعد تیر بلک و بابلی (وزارت - دارائی) آنها الحاق شده چون نامه کوهستان مرسه دولتی نیست و در نشریات هم چندان منتقد نیست لذا از مراجعه کنندگان که نامها می شود از الحاق تیر که اصل زبانی است خود داری - فرماید و در معرض مطالبی قرار که مرفوع میدانند همین حدیث باشد که بتوان از آن نتیجه اخلاقی گرفت

تومیوه فر هاید

چون در نظر داریم ضرب الش های کردی را جمع آورده نموده بدلا چاپ کرده انتشار دهید از علائقند تا این میشود ضرب الش های را که به خاطر دارند با خط خوانا ترجمه در صورت امکان با نسخه فارسی آن ارسال فرمایند

تا موقتی که کجج آوردی ضرب الش ها که نموده خود هت در ستون مخصوص روزنامه چند ضرب الش چاپ شده و یا آنکه در شماره مخصوص نامه کوهستان درج خواهد کردید

وقایع آزارات

روناهی تادریا راشداند (روشنائی خود را تا دریا افکنند)

ناولمتا آزادی چانان (میان ملت تمام آزادی کاشت)

هلبه آجری - هلبه آجری

ژده سائو توترک ویگری (از ایهت تو ترک گریه میکنند)

ته دید جاواری وی (تو دیدی چطور ترک فرار کرد)

هلبه آجری ، هلبه آجری

فرمانده کرد پایانه ای صادر کرده انکار هومی را بقضوات طلبید دواین بیانیه چنین نوشته بود :

کردها اسرای نظام ما را که بقصد جانشان آمده بودند پس از خلع سلاح با کمال احترام عرض مینمایند ترکها بالنکس به تیاره بود بلکه زانو و کولهایک میلوین را که بدست شان میمانند باصبع تیر طرزی دارد و میگردند دحاکمین خود را از متدن ترین دولت قهره و کرماند با باغی و وحشی مینمانند . آ یا از این دو کسکه با یک منصف به صفات عالی بشری و تمدن می باشد ؟

فنا لیت آرا . آنها در حوالی باورید مجددا آفاز شد . زمستان سر رسیده زمین ملانه سلیدش را بر روی خود کشیده چتپ جوش مارا معهود نمود . آرا در دوازده دستگانه نطن بدست آورده بودند ولی چون سیم نداشتند پلا افتاده مانده بود . یکسب عده ای سوار منتخب مامور شده خود را با بستگای بازید کرد که از درگاه نظامیان ترک ود رسیده . مفاد کاتبی سپه یاوران این ماموریت با موقیت انجام گرفت روزهای بعد ارتباطشان میان آزارات ها برقرار شد .

تشنگت نظامی آزارات برقرار شده بود . اولیرم مضموسی برای افراد و انسان کرد اختصار بوی بدست داده بود . اثر دروی کلاکتان شکل بود آجری که از رنج ساخته شده بود . برکتب عده ای سوار منتخب مامور شده . عملات خوبی روی کلاهدخته و علاماتی که کمیز درجه هایشان بود روی شاه داشتند .

عملات خوبی روی عیارت بوداز . کخسیر سعوی در وسط بلک نوشته گنده در یکطرف و یک طرف دیگر بطوریکه دسته های هر سه در برابران

بازیه آقای شیخ محمد مردوخ کردستانی

خطاب بهیئت دولت و کلابی ملت

ایلام حضرت آقای آیت‌الله کرده‌ئی

جریده شریفه «آر» رو نوشت لیهان رو نوشت رعد اسرود رو نوشت نجات ایران رو نوشت گرهستان رو نوشت ستاره رو نوشت صدای ایران آیه خاطر محترم بهیئت دولت و کلابی ملت و افراد جامعه ایران منتهضر است که در این چند ماه توقف تهران راجع وحدت اسلامی واقع اختلاف آچه توسطه و تکرار لازم بود چه شفاها و چه بوسیله مقالات و نشریات و سایرینهای چاپی برضیهو رسایندو گوشرده کردم.

آنراکه فهم داشتند و واقف بمصالح مسلمکی و دینی و مذهبی بودند و نتایج وحدت را تشخیص داده بودند دعوت ما را استقبال کرده از کلمات وحدت شکن تشیع و تشن و غیره... و غیره... صفحه خندا و رسول از آن کلمات بیزارانه تیرا چشمه بباد آید و آن ادین عندها الاسلام دومن بیخ غیر الاسلام دنیا فلان بیژلمه وهو فی الاخره من الخاسرین» صحاح بی غرضانه عارفا استقبال فرموده و جزو (حزب الله) شداند.

وما از خداوند متعال تایید ایشانرا برادامه این وحدت و توحید این جمعیت خوداستاریم و الا آن حویله هم الفلحون» اما بیگسک باره انخاص مفیدماچرا جو که نان خودرادامه اختلاف دوست بشدی و دکانداری میدادند و سعادت خودرا فرادانای رونا نمی جامعه تشخیص داده اند با انواع سادسین و تالیفات و تکرار تن یا این مرام مقدس (بسی وحدت اسلام) و رجوع بامل مشرک مبارزه و مواضع کرده اند و رسول باسلامت راکر و زندگه مرفعی دروعد و در برابر استدلالات تلویحی معنی ماک همجا آیت قرآنی و عبارات فوج الاثنا عشر باطنظور که فریقه مرفعی هیچ استماع شرح بعضی و تکثیر و توهین و مغیبت خودشان را بجایه مرفعی کرده و بالاخره خودشانرا در پیشگاه خدا و رسول و امام اطهار و مومنان نشان جهان رسوا و خوار ساخته اند.

راجع بخدمت ملی کرد و پارس هم بدلیل تاریخی و وجوبت سیاسی هم جا بیژره در زمانه کوهستان روشن کردم که این دو گروه فرزند یک پدرند و مملود و بی مصلحت و هر دو باهم برابر و همدرند. یعنی از مامورین شیخان برای انجسام مفلسه شخصی و ترغیب و ترغیب با آنها مملدان غسانه می کنند و حرکت بیبره جانها بر می میندند و آنهارا از دولت مایوسی و ناامید میسازند.

غرضه مفروضه چایی هم بیبشگاه مملوکه و مجلس شورای ملی عرض کردم

آقای مدیر محترم نامه کوهستان

متن است ذیل را در آن نامه گسرمه درج فرمایند.

آقای ابراهیم خواجه نوری دبیرکی از شاره های اخیر بازبکران عمر ملاتی شرحی نوشته و نسبت های بعضی اکبرخان سردار دستور و حسین خان سالظرا در دادمان بعضی ها وقتی قلم در دست میگیرند چرا راه راستی نس بیبایدند و اصراری دارند و تابع را غیرحق جاره دهند و مغتاب را برای دفاع از کسانی که منظور نظر درازند بشکل دهنبره بورانه.

آقای خواجه نوری شدمات علی اکبر خان و حسین خان سالظرا نظر درازند شمایه سنجایی علی پیش از اینهاست که تهبت های شما بزه آنهارا لنگه کرد.

اینها از قول خان مردان نوشته اند که عشار بیوشه و ششخان قارت بود دبیرگری نداشتند تهبت است لایه شیخ خورعلی نوالی پشتکوه و مدینه مطان که به دارش کشیدند تروت داشتند اند. داودخان کلپر که وقتی حرکت مینمود بیخارنفره جلو او سرک داده میشد.

لایه شما اطلاع نداری که سردارهای سنجایی ناآخترچنگک بن البال ازینته رفرانر ایرانی در منزل خود پذیرایی نمیکردند از شرق و غرب و شمال و جنوب است علی لشکر سرتیپها - سرتیپها - ها و غیره برآشبه این همه باریک و منازعه را این صاحبان از کجا آورده اند. اینها هم از تروت همین روسای شراست. آقای خواجه نوری بموجب چه شما هم در یوقا همین مطایبی. چه است زیرا تمام مردم کم و بیش این چیزها میدانند و نوشته های شما هر قدر هم شیرین باشد لیاوتانه جای عقیبت تلخ را بگیرد. قسم سنجایی.

ها اجازه نداد آت بشوند فوجا و شرار مرفعی میشوند و دولت را دچار زحمت و خسارت میکنند.

آیا کسبیکه برای انجام نظریات خصوصی حکم کتبی برادران خود را صادر میکنند.

آیا کسبیکه برای تعیین ممانع شخصی پادبکران خیانت بشولت و اختلاف میکنند.

آیا کسانی که با تزلزل و قسم و قول شرف مردم را میفریبند و بعد آنها را دچار هرگونه کین و محیبت و آزار میدانند.

آیا کسبیکه برای ادامه اختلاف و دکانداری و برای حفظ اصول و برای عوام

خبر سواری داعی وحدت اسلیمی را تکثیر میکنند.

فریب داندند و لایسایه های حقوق راکار و زندیق میخوانند. آیا برای اینها اطلاع کله اشرار و مفلس و ماجرا جو سرزوار تر است یا بر اخصا خدمتگذار و دنداع و بر کادمان که عیلبات

بروزات آنها گواه صدقات و وصیبت و پاکدامنی خدمتگذار آنها است و همینجهت خواهان ظلم برداردند و مدعا از زوری ظنیه مطیع اوامر دولت اعمومه جا از نظریات دولت استقبال کرده و می کنند ؟

صدای رسا دولت و ملت را تذکر میبدهی تا اینکه به اشخاص خود خواره مسمکر کار باشند تا این قبیل استعمارین دکاندار اسرار

جامه را در دست دارند. انتظار مشروطیت و آزادی و دمکراسی اول بدگفتند ایران اول الزامات اینگونه عناصر ارتجاع و منابع

فلسفه ایلی و چارچنگ کرد آزارت و فکر مشروطیت و آزادی بود. والا باین اوضاع مطغش بشاید در جبین این گشتی تور و دستکاری

نست باعظر از آن دوراست با گکار دریناست (مجاهد فی سبیل الله محمدر مردوخ)

کار نامه کوهستان ابایات تمام درگشت مرسومه مفروضه حاجیه والیه اردلان را بموجب خانواده اردلان بمسوسه متاب آملی امندها اردلان و آمانیان رضایی اردلان - تا عارضی اردلان و عیالی اردلان تسلیت میگویند.

و تذکر دادم که مایوسی کردن گروه کرده از دولت ایران با مقبولیت امروزه تناسی ندارد.

لازم است از مامورین خود سرخود خواه خیابکار جلوگیری فرمایند.

مانسا ایان جو سرگرم منافعه شخصی هسته تا دچار خطر نشوند پیش بینی وغیر خواهی در وجود ایشان تازی ندارد و آنها را نکان نینهد ایک نتیجه تذکرات ما آشکار شو خودسری و خود خواهی مامورین خیابکار مولود خودرا

پدماں دولت و کلابی ملت گذاشت که در صحنه کردستان خونریزی و برادر کشی شروع شده است و برادر خیابکار برادر خدمتگزار را اشرار مرفعی میکند و کشته اکراد از قتلانند و کشته ارتشواشیدند فلهاد مینمایند.

در موردیکه هر دو دست مسلمان و ایرانی اوهر دو تابع یکفکند و یک پل و یک ملک هستند نتاوتیکه با هم دارند اینست که اکراد طالب امنیت و آسایش و رعایت اصول مشروطیت و قانوندمکراسی مینمایند.

اما مامورین برای ترغیب و تیل ملام طرفداران اختلاف و انلابوگل آلود کردن آب الله و برای بکستمال تمتع شخصی صد قیصری را آتش مینزند.

محمود خان کالی ساتانی و حسین خان رزایی در کت مرفعی که در صحنه باجم دارالاحسان باهم دولت نصب شده جزو

فداکاران و خدمتگزاران دولت مرفعی شده اند و هر دو جمه که اهل شهر برای امانه ناز جمه بسید ناخبرده میروند و آن سنگ منور را میخوانند.

چه شد که این فداکار خدمتگزار یکسر تیر بدل پشمار شده اند ؟

از دولت و وزارت جنک و ستاد ارتش سؤال میکنم و توضیح بخواهم که پس از نصب آن سنگ در برابر چشمجامه

چه تصدیق چه خیانتی چه تردی از آن دولت فداکار خدمتگزار ناشی شده که تران

و قسم و شرافت دولت و ازیرا گذاشتند و آنها را روانه قفس قهر نمودند

بعد چه شد که آنها را آزاد کردند و دوباره پادان اسامه و مهماند

چنگی با آنها مجبور بر اجتمع محل کردند. و مقام سرهنگی و بخشداری دادند و حالا

چه باعث شده که اکراد اشرار بر آنها اختلاف میندند ؟

واضح و روشن است که بخت نیز نشینامی خواهنده عشار ایران چه کرد و چه فریقه

و غیره... و همین آت اجرا نظریات خود شخصی آنان باشند هینکه وجدان با ن

لم آقای محمد کاظم وکیل کردستانی

باز هم حقایق را بنویسید

در کردستان چه خبر است ؟

جنایاتی که بنام حفظ امنیت !! مرتکب میشوند!!
چرا کردستان بای مقیم تهران کاپو و جمعیتی

تسکین نمیدهند

جناب آقای مدیر محترم روزنامه روز حق کوی کرهستان
جلت انبساط اثر و اسفند در خصوص اوضاع کردستان و ویژه
عیالده اعلامیه مشتعل . ستاد ارتش در آذربایجان که تحت تیرشید
ترین احساسات انسانی و عواطف غریب بشری که ملان، بیوسکت
برای آن را تشدید میباید فرار گرفته ، با ما به نظر روایت
آن نامه گرامی نمود نتشاید در میان اینهمه اغیار سرا با دروغ که
از شناسایی مدعیوس و سبزهروی خاص منتشر شده ما خواندن
مطالبی که گویا در خصوص کردستان بسج هم در آن تیرزیرسانیده
آذربایجان است احساسات خود بنامش در این موقع خطر که
بعلت دسیسه های ناخوابنده هم روهی ناپاکتوخوانی
که عیالیه جیانگوار آن خود در ارتزیر مدعیان همیون پرستی
!! و ایجاد امنیت !! و خفنه مصالح عالی کشور !! مخفی
و مستور مدارند خودخواهران و برادران غافل و بیچاره
مارا راست را که فرخیزه سروندان و با بهتر بگویم
دیوانه که در آتش شهوت خودخواهی میسوزد بیفتاور
بر آوردن اغراض بلب و مطامع سوء هم روهی خانی
و از خدابختیر ملول و پج میمایند و باهولناترین
سلاح ناپایه بدون کوچکترین رحم و نذات حتی بر
سزنان بیوا و کودکان معصوم اورمان باران مرگ
باریدن هم رفته است

نتظار داشتیم شما که برای دفاع از حقوق خانه آکارد و
ساختن حقیقت احوال آنها بهم میران عزیز علم بدست گرفته
اصفاانگون از روی کمال بیطرفی و ملافت نام و نام قدم برداشته
اید آرام نشینید و ایستاد بودم در آن ساعت خفراک و روز
های تیر و تارک که بدیضانه شی ارتزیر و تنفسگر و بعضی از
همای و معیومات در قلموات خود کشته و کارد را در شفا و
میبایان جنبهائی اطووریکه شایسته یک روزنامه نگار زبدهویک
فرق میهن پرست و سلس ان باغاهه توانای خود بیبازده نمانند
و با اشادات متین و صریح و تکرار پیشنهاات اساسی سابق تاریخ
جراغ راه هیت خاکه و جرایم میون پرستان جنایتی باشدهویک
ناف و تنفسگر خلاف انتظار از این روزنه اید نیز اطووریکه
پایه و شایده روشنی شایده بود که هم میهنان عزیز را برای
یل سعیت رهبری نیاید

جناب آقای مدیر محترم پیش درام مشاهده شد علی آتش
دویمت و نایه که حرس و ولع گروهی معلوم الحال آن را در سر
افروخته و فی العینه هرززدنسیس و میهن پرستی را ضعیب و تنفر
میباشد آندیر محترم و نیز ستم آورده و بیضا نعلطی ساخته
است و ای اینکه جدا جنت در اطرف این موضوع و ملت اللال
آن نیرودانه ای نیدانم آراچگونه تئیر نیاید ؟! باغدهای نخواست
از اصلاح اوضاع ماریوس باشد ؟!
در خصوص سزندان خود نیز رعیت بزرگی است که برای اولین
بار که یکی از افراد تبعیت و تحصیل کرده کرد جهت بهبود
اوضاع و مبارزه باغیابندان هم یکسر زده میسوزد و بیرونی
میدان مبارزه و ترک نیاید .

چه بیشک در تزلزل روسیه جوانان
کردستان بی اثر نخواهد بود ولی امید
وارم که این حدس بنده باحقیقت منطبق
نیزوده و مبارزه برافراز خود را کمانی
الساق از نه دهد .
و هیچگاه از تیرهای همتی که
اردستهای لرزان عالم معلوم الحال
بسوی شهسا پر آتاب میشوند
تیر اسید و آرز قضاوتهای
یجگانه عده سازو ج که اجبارا
آلت دست اشخاصی از خود بخیر
تر میتوندند نچیده خاطر و مکندر
نشوند و بهیچوجه از دست
انفازی که در پیش گرفته اید دست
نکشید و مطمئن باشید انشاء الله اگر
همین روزه و راه نیست کنید و خداوند
ضامن ملت ایران بویژه اهالی بندهمه .

کردستان حامی و پشتیبان شاست بر شا
هم از دوج مطالب تصور فرمایید
ایته فقط ای نیکه هم میباید
عوزما ز مطامع است که ستم کردستان اهالی
شده و میشد مطیع باندته و گران عدم
تویمستور اول روزنه که ارتزیر از مدبر
معتزله همیون سوت ناک تارنستور تان
پست های حامی و اشغال نوده و تان
ساعت مقدس از لوت وجود آنها که
نشده است .

آینه الهه بیغالی ترسه فریاد است
جناب آقای مدیر محترم در این روز
هالی که دوباره کرد و کردستان و
باقر و طاهر هم میباید انتظار دارم
که با آگان شهاست ز روی حاینده و
بروداید تا بخصوص بر میباید عزیز و کلیه
جهانیان واضح و مبهرن شود که دران
روزهائی که برچندان زرد دمو کراس
پروغم نشسته و بنظور دفاع از آزادی
الراد بشر برای تبعیت و معاکه جانیگان
چنگ و کسانیکه شهرهای ناز دفاع
دشمنان خود را بیجان بود و زبان و
ملان معصوم آنها نیز هم گرفته اند
تصمیمات شدید اتخاذ میکنند تا بدوسیله
از وقوع جنایات دیگری شانه آن در
حالت و استنباط جلوگیری نمایند و جناب
سرتیب شهسا ارتزیر فرامندگرمیتو
ظفر آید باغیر در قبال تلگرافات و نامه های
که در آن جریده شریفه درج گردیدند
و قصصاتی را که هم کن زان و اطمان
معصوم وطنان خود او است برای اغیار
مطیبت باغوی زمنی . هوالی دودده
قرار بیدهه و تانهای مکرر آلودارایی
رسیدگی و احقاق حق قبول نیباید .

جناب آقای مدیر محترم در این -
روزهای که دو بازم را در کردستان
و نه اتاده است شهسورهای ارتضه متین
نایبند و یابنیکه کشتا با بر سولنه نام نشان
تیر نام نمایند .
بدینوسیله میسر از اینکه همه داوطلب
معلوم شد طبق فراتر که برای تشکیل
جامعیت هامو جوادست رسانند کیل جمعیت
نایبند امسان نامیو مرام نامه آن اعلام
خواهد کردید

شده اید در این بود نیز قبول رحمت فرموده
و دعوت فرمایید که تا کلیه شهسورهای
محترم دور هم جمع شده و مانند سایر
اهالی شهرستانهای دیگر تهم نمان که
هر کدام کتوبی برای خود داوطلب نامیز
بیشتر اهداء نموده و بنظور آشنائی
یافتنی با همدیگر و تا آن اهازه که
ممکن باشد سعی و مجاهدت در راه
بهبود اوضاع کردستان جسمی تشکیل دهیم
تا گذشته از معضات دیگر در موانع
ظلم موقع کتوبی غلبه و نظریات غیر
عنوانی و آلابش خود را در سحر موزی
بسج اولیای امور برسانیم

کوهستان - مستلمین از این که هومی
مقاله فوق ساریس که سعادت شهسور نامه
کوهستان به بنده بود اگر در شماره دو
مقبول زجمع به اوضاع کردستان سکوت
اشبار شده و نه از اس لفظ بود که
بوزنه خود را مغلوب بندهاست و دم
بایور نا میاید هم در مرام نیاید و نامه
خواریستیم مکنس لعل حرایه ملیا تحت
و نظاره کرده بداییم تا باغیر از امام جرایه
دیگر خود نمود اطلاع طلبان از عوالمی
کوهستان به بر باده دفاع کرده اند .
تصدی که بر باده دفاع کرده اند .
بکفته سکوت را می ما دران موقع
باریک سار مشکل بود ولی باید شخص
خیر الودود هرمتکی را تحلیل کرد شاید
شماره گذشته تا مدی دفع اشبار از نویسنده
محترم نوده باشد .

هر کسی مقاله فوق را بخواند قطعا
تحت ز اثر احساس پاک نویسنده قرار
خواهد گرفت . عیالیه که در مرفاه فوق
بردی کافه آفهم تراوی که ناب حساس
است سانسکتی نیست .
حقیقتا است اب آن بیان واضح
است و پشتهادیشان هم مراجع به کساری
است . کرد معین تهران بسیار جاب و پسته به
است .
مدهاست یکی از آرزوهای ما
ایجاد جمعیت بنظور دفع آلودار است
کرد شیو اصلاح اوضاع آن سمان است
مانندتیم اگر جمعی فقط و فقط پردوی
ای هدف دفع ظلم انسانیت و
اصلاح اوضاع این مناطق کردیم آن
قطعی است خواهند توانست خدمات شایسته
ای بکنند .

این این محبت باید شناسا باشد و
پنداشتن هم باید غلام کامل این هدف
باشند برای اینکه از این پیشنهاست
گرفته باشیم و آزما میسکتیم که آچاپین
مجموعی تشکیل خواهد شد یانه بسوج دعوت
طوریتهائی را که با ما هم فکر نه هوم
می کنیم که در هر غرضه آیه بین ساعت نویسی
نایبند و یابنیکه کشتا با بر سولنه نام نشان
تیر نام نمایند .
بدینوسیله میسر از اینکه همه داوطلب
معلوم شد طبق فراتر که برای تشکیل
جامعیت هامو جوادست رسانند کیل جمعیت
نایبند امسان نامیو مرام نامه آن اعلام
خواهد کردید

فلم آتای صدر مدوع (آبادش کردستانی)

۲۴۰

کرد و کردستان

**

(سنه اردلان)

میس دوسال (۱۶۲۸) بیزحین کتمان پاشا و شان پاشا از اولاد آید پدر خان به تائب آرزو های ناتمام پدر بیزن اقدام برافزاشته تا کجانب وارد الجزیره شد و تمام اراضی دولتی را تصرف شده نشه استقلال را تجدید نمود و متوجه شد با نوابی ترکیه چسبیده همه جا فتح و تصرف مهندسان این دو امیر بود. تا این سنه فرموات ایشان به دو جوله مرگ و مرگ

« حکای » و زواج و وصایه و واردین و مدیات . و تعیین امتداد پاشا و برادر بزرگ امیرشان اعلان امارت نموده و منطقه بنام او خوانده شد. بالاخره حکمت های بودی نوابی ترکیه و متوجه شد و اتقاد امیرشان در امر افسلسان ترکیه را که امامان الهی بود مطرب نمود .

پدر طولی نگشیده منزل میشود و باجسی از اتباع خود بجانب شهر زور می آید . تا دوسال (۵۶۴) هجری سلسله بی اردلان نواحی شهر زور حکومت داشته اند و قلمرو دلم را برای مفر حکمرانی خود بیاگنل است حکام ساخته اند. و تمام اطراف و نواحی شهر زور را تحت سلطه و اقتدار خود در آورده اند و سلطنت هم که محل طایفه گله و گوران بوده اخیرا به تصرف اردلان درآمده دو آتیا نیز قلمرو متعکس برای مرکز حکمرانی خود برپا نموده اند. و آثار آن قلمرو در وازه سنگی آن هنوز باقی است . مدت چهل و دوسال نیز دونواحی سلطنت با کمال اقتدار حکمرانی کرده اند . و شازبازید (شهر بزازار) که حالا سالیانه بیگونیته تصرف ایشان در آمده و عبادی را هم تصرف شده اند.

(حکومت کلول یک اردلان)

در تاریخ ۶۰۶ هجری یک نام که از سلسله اردلان بوده مقام ریاست سلسله را احرار نموده و از هر طرف بر تصرفات اردلان افزود و منتهی به سیاه کوه و زوزن گمر (بیش گروس کنولی) و قلمرو بی شکر اسک (حالا اسفند آباد) میگویند تصرف خود در آورده است . و شرق همدان و غرب اذربیل تا موصل شاملان تیان . جنوبا کرمانشاه و سنتر ارام تصرف بوده سالیانه هم با عساکر و فریب عادی و حریر و رواندز داخل حد فریب تصرفات کلول یک بوده است مدت ۲۳ با کمال قدرت و استقلال حکمرانی کرده دارالامت کردستان را از قلمرو دلم و بقله از دنیا در میگذرد .

(حکومت خضر یک اردلان)

پس از فوت کلول یک پسرش خضر یک در سال ۶۱۶ هجری بر جای پدر نشسته و مدت ۳۴ سال مستلا سالیانه دهل و منات کشور پدر او اداره کرد و در سال ۶۶۳ هجری عمر او باخرسیده است .

(حکومت ایاس یک اردلان)

پس از فوت خضر یک، پسرش ایاس یک در سال ۶۶۳ هجری بر جای پدر نشسته و مدت ۴۷ سال کردستان را مستقل با فعل و رفاه اداره کرده است و بسبب صلح و تعاون و مرجع ناموس عام و عمل ایبه رعایا و برابری بوده است و دو رده حکومت او باجنت و آسایش گذشت و در سال ۷۱۰ هجری درگذشته است .

شهره ۹۱۱

بسنه که له ایرانی توابع کر اومه ؟

جبهه شری دایر بوه حله به رز اومه سرباز تحریب هاتوه میچاره له رنی دور بو کوشتی لا وائی وطن نقشه کشاوه سرباز چکر کرشته ی دایگی وشن بر سر گومی شره قوتی غه شازی ناوه هور اسی هبو صاحبی متعال و عجان نکی به اعانه ای صبر بی که سردا بوچیان ده کوزن . چپو به چاره بوچه کر اومه ؟ هرحی که دهجن خوبس بر او بیه زواوه چوایان ترولب شش زین و دایب و بگوشک بی خاوس و سروروت نانی نافته آره رلن بو مگر کر تنی اه تقریه خرابه واکوتنه جولانه و بم تیب و سیاوه ناز تلیک و شبازوه و هم توب و سفلس بی ناک له کیو او طیاره له سناوه ؟

قصاصی ملت نه بوشا یسه دوت معلومه به اشغالی عدو اسر در آره نیبا تنه یوغه ری . بارانی سر شکه در بای یکی خوین جم بوه بوه ثابۀ چاره اذهنی شده چه هر کسی که ده بینی بو خوشی بر آکائی و کویتنو وآوه «منهولی» دلانی چه برای بیلشن بو؟ ختنی که نه کاره دین کین و بر اوه

از دستج

بلم آتای کانگر

«پاسخ رستاخیز ایران»

نظام منترمه

هتبات گرچه زهر ناب داروه

گلدور چشمه نوشاب هاروه لیغوامم اکوشن های ششوار ۳۸ ارمارضه کرده غلب نازکت را آرزوده گد کن نام ولی باگدگت که خاندنبا چون به اطراف کشور رفته و زنده نگانی نواحی دور دست را مشاهده نکرده اند احساسات آنها غامض است .

ای فرشته رحمت

ایامه بادیه که اختلاف تراود معلوم چگونگی ملت زحتشک وایه رنگه بشت سون داداست ؟

ای مظهر عاطفه

اگر قدم رفیه فرموده با گوشه جشی حال زار ستمدیدگان این سامان را بنگرید همناسیرل انکاز دیده به دامان رفته و پادست ترازش موافقت میرماند .

ای سرهای زندگانی

با وضیعت بریشان هر مرکز که همه روزوه انگشتان نازنینت طرز آتش دود های بیودمان وادرنامه کرامی متعکس مینمایند پس بر این احساسات بنده را ملامت می کنید .

ای آله عفت

اندکی پیش تو کنسک هم دل ترمیمید که دل آرزوده شوی ووه سخن بسیار است

(حکام سنه اردلان)

اولا باید دانست که اردلان جمع فارسی آردل است. این سلسله منتهی بنیاد آردل میشوند که او را «بابا آردل» نیز گفته اند. بابا آردل نوه حسرو بوده که در مرو تشکیل خانواده میبده متکسنام ظهور او مسلم خرابانی در مرو، قباد قارل در سال (۱۲۷) هجری در زمان صلاح پورالاس عبدالله عباسی با کبان خود را در بوسه جان کردستان مهاجرت میکنند متوجه شهرت و استیلا پیدا کرده حکمران مومل و دیار بکرم میشوند.

پانچم زوارت گزوری

نقش ۴۷۸۷

بالم آقای جعفر حدادی

« سرتیب هوشمند افشار دیکتاتور کردستان »

« کرد و سر یاز هر دو برادرند »

ایرینوزها از گروه و کنار شایستهی دو اطراف کامیابی کردستان (مروان و اورامان) و لشکر کشی و برادر کشی از طرف سرتیب هوشمند افشار برآمده شایسته و وطن پرست ا لشکر کردستان شنیده میشود و حتی چند اعلامیه نیز دایر بملات انعامی و آن منطقه از طرف ستاد ارتش دیده شد متعاضدا بازم دستهای دبا کی در پس جوارسرد ایرانی (که بدینسان با خوشبختانه) کرد نام دارد از آستین خارج و بکار آماده چنانچه میبایست کامی آ نان را بخواستن استقلال متمدن و زمانی دزد افشار ، سر کرده بکیزه نام برد موثقی عدم اطاعت از حکومت مرکزی اممکومشان مینمایند واقعا جای هزاران تلافی و بلکه حق و انصاف صرف است که اینطور و با این کیفیت بشکلیه ایزایی پاک و اوسایل که انتقاری جن ایرانی بودن عادلانه با این طرز سخت و مشورت آمر و رفتار می شود و بیکی اینکه مرهمی بر جراحت التیام ناپذیرشان بگذاردند بادامی مرک آ نهارا دور میبندد بکشند و قتل عام کنند ولی باید که از طرف برادران ایرانی خود تا سرحد امکان دور نمی شوند ولی شاید روزی برسد که ملت ایران اقدام شیطانی از سرتیب هوشمندها باز گیرد و سامان موقتی و چند روزه کشور مامم بدخانه بخواهد مستقیم و شرکوشی عیبی فرو رفته و با نشانی نامور ایرانهاد بکیزه نزال وطن پرست ا که تقاضا نظری جز ناپودی و قتالی این طینه ندارد موافقت وارده و کشی از طرف ایتشخصی از مورد تعویب فرار داده اند زهی بدبختی ولی اهانان ا کرد کشی حق و منبرستی و شاد دوستی و ملت نوازی داشتند و انشاء الله در اندام خاص میبایستی بجای اینکه بدست سرتیب هوشمند افشار باران گلوه و دیگر ماسمل و شیاطین مرگبار برسد چند مدتی خوانده معظوم و رازگون پشت ایرانی فروریزند و در صدها اطمان بی کلاه و آیتیموز نان درای شوهر و اولاد نمانند بمردهای دویی و عراضی متعاضدان توجه عاملی میشود بدین بابینه سؤال کنید که این بیچارگان چه دوری دارند و از چه مینخواهند آیا چه میشود اگر مثلا به شکایات قابل توجه آ نان رسیدگی کنائید « کرد باقی نیست و خود سر و خود مختار نیز بدینا نیامد و از یک نندگی امن و امان نیز بدش نی آید منتها فقط تفت و فشار و خود خواهی و کبر و فرورد فرعونی چند نفر مامور و وظیفه شناس و بیول پرست باعث ایجاد دوروشن شدن این آتش شده می شود.

باری گفتنی و فرشتنی زیاد است میبستند آ نان را ز مامداران و شا آقای نخست وزیر بجای اجازه صدور تمل و کشتار و برادر کشی آ یا بهتر نبود چند نفر مامور درستکار و بازرسی نظری طبع که ذوقه است ا کرد مرویان و اورامان بوسیله لشکر امانت عیدیه خواستار شده بودند برای آ نان میارستاندیده و جراحی ستان از فردا کی رسیدگی می نمودند آ یا بهتر نبود تا دستور میدهادید مدارسی برای تربیت اولاد و رعایای آ نان تاسیس می نمودند باین داشته باشید هزینه ایجاد چندین باب معمره خیلی کتر از یک هزارم هزینه لشکر کشی و تمل و کشتاری است که فعلا برپا شده اگر شا بنوانید بوجهال موتی بی فرهنگ و بهداشت را مایین آ کرد تاسیس معید و محسوسا بوسیله مامورین درستکار و وظیفه شناس

فرض صحیح قانون را نیز برای همه بالوسه و یکسان اجرا کنید . بشا قول لطمی میدهم هسان اشخاص مطمع و فرما برادر که سرتیب هوشمند افشار دزد سر کرده میداند ، و از خود امانت هزار بار مندنتر و وطن پرستر هستند دیگر احتیاجی بخودی نظامی و ارسال تانک و طیاره و واردان برای سرکوبی نخواهند داشت اگر اوراق تواریخ را ورق بزنید بهتر خواهید

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۹ - بانوطنه (حسن) بنشنامه شماره ۵۸۵۱ باستاندایبرک گواهینامه و وونوش ششنامه داد و نوات بشماره ۵۸۳۱/۲۴ داده ابراهیم مرحوم (حسن) دارنده متناهی نام شماره ۵۸۴۸ در تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۳ در تهران جایگاه هیستکی نمودنات با نته و متقاضیه بانون شوکت (مصدق سامان) بنشنامه شماره ۵۸۵۴ و منتری بنشنامه شماره ۵۸۵۰ و زهرا حسینی به بنشنامه شماره ۵۸۹۴ دختران و آقای حیدر حسینی بنشنامه شماره ۵۸۵۲ پس متوقفی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن ادوای گواهان مراتب سه نوبت متوالی ملای بیکار در روزنامه و منی کشور شاعشاهی و روزنامه انومستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضین حسب تناسف اقدام خواهد شد و زائر اگر کسی وصیت نامه از متوقفی دارد در ظرف مدت سه ماه از تاریخ نشر اولاه روزنامه نیز از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی امری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۲۳ - آقای نور الدین مصارصکالت او طرف آقای رضای خان (پسران) باستاندایبرک گواهینامه و وونوش ششنامه داد و نوات بشماره ۵۸۲۴/۱۴ داده ایدیکه مرحوم حسن ابراهیم خان دارنده بنشنامه شماره ۵۰۹۹ در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هیستکی نمودنات با نته و متقاضی و نامبران بنی بنشنامه شماره ۴۰۳۰۲ و علی بنشنامه شماره ۴۰۳۰۰ پسران و بانوان خود رشید ابراهیم خان بنشنامه شماره ۴۰۲۹۹ و عدیه و بنشنامه خان بنشنامه شماره ۵۰۷ دختران و یک مدالی شان بنام بانو عصمت ابراهیم خان بنشنامه شماره ۸۱۰۰ قیر از شهر نایم رده و نه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ملای بیکار در روزنامه رسمی کشور شاعشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضین حسب تناسف اقدام خواهد شد و زائر اگر کسی وصیت نامه از متوقفی دارد در ظرف مدت سه ماه از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی امری

فهیبد آ کردار چگونه مردمان لایق و رشیدی هستند آ کردار علم و فم حلیات تکلیف و خلاف انسانیت یک نفر مامور خود سرو دیکتاتور منش هیجوتت در رویه خود نسبت به ایران تشریری نخواهند داد من شخصاً عقیده دارم تمام کردهای دنیا برای هشتاد تاچه رسد به آ کردار که در فضای ایران چشم بدینا گشوده اند و در ایران چشم از دنیا فرو می بندند

آغای وزیر جنک شان را منی تنوبت منطبقه کردستان ندای اغراض شخصی چند نفر مامور فروردن شا بشود و هر چه زودتر باستانده از دست خودتفتیش معالنج عالی کشور فرمائید لشکر کردستان را احضار نائید مگر شا اسنر ارشد ندایه ا آغای وزیر جنک هر چه زودتر تقسیم بکدید و الا این قتل و کشتار و خونریزی هیستکی که نقاب معروف کردستان شروع نموده توسطه یافته و فعلا زبان های غیر قابل جبران دور خواهد داشت . من آینه شرط بلاغ است بانو میگوم

تو خواه از سخن من بشکیر و خواه ملال

تقصیل وقایع کردستان

پیراهن زلفه ۲
 دادند سنون از تعلات اشراق را که کوهپای سنون از جنگل و درخت بود بدست آوردند تا با جمله دهنه در تارستانه موفق بیاستاد داد شوند تیری کردستان دهمبروان یک کران با آن داشت و معهود کانی سانان هم خدمتگذاران دولت و درجه سرهنگ قومی اشغاری داشت.

چون دراین موقع میفهمد که تیری ابرامی در ارباناب رواج در گیر شده از سر لاری آنها با بغیان خود متصدد کرده و بیادگار مریز من حله و میخواهد افراد آفرینا خاکبیز روانه مسیر. تمهید نماید و کار کردان ازشته خاندانها را زود متصدد شده بیاستاد و دلاری سمانی از خود دفاع کرده و چو حادثات کردار میبگردد کشمکی که موقوف شات کار سانی معزز شد و پسران اطلاع رسیده ارتش هم در انعام کتک و سر کوبی اشراق درید.

این اطلاع بعد از طبرزد و پهنه که تهنطیل بود در صورتی قرار بیاستاد تا با آقا شرفند وزیر جنگ و مسرت ناطع سرپوش که ستاد ارتش داد باغ گردید تا با استاده معاضد علی چیه قسطنیای توپن همی از تهران بگردستان اعزام کرد و در ارباناب معزز دروید بدست حاصله کرد و موافق اشراق و از سر مبروان متواری میباشند آنها هم از ارتقاغات مرزی پناهده میشوند تا از دست کرم ماشاهم کتک اشراق فرار بیاستاد و مبروان که مودید بدید اشراق فرار کرده بود و کانی از جود آنجا بیاستاد کرد. اکنون قوای دولت در خاک کردستان در نقاط معین تر که با آنه اندر با اوسال اغلبه اشراق را دعوت بشتابند فواید او

نامه ما و تلگرافات وارده

از سنندج

آقای حسن علانی تانما نودا ده چنه سوال از ژاندارمری کردستان بشتابیم کوهستان - خوب است اول آقای حسن علانی چگونگی موضوع احوار برای ما بپوشند پس از آن اینکه در آن مطالب ووشن شبیه در صورتیکه قابل طرح بود بصورت سوال طرح کنیم

از تهران

آقای نصرالله توکل می نویسد: دوستانه گذشت ضمن نامه معان وارد عرض سلیم دوسلو نام از بناته از ایشعانب شکایت کرده بود چون اسلا در این چنین شهرت کسی نیست اظهارات او را تکلیب میزنم و آقا را از طرف مفرضین خود و با معای جالی میدانم.

در صورت عدم تسلیم اقدام بخلع سلاح آن بااعمال فوه قهریه خواهد شد. معضالی که در خانه اخیر کردستان جلب توجه را منتهیاید یکی اوسرت حکمه ایست که به تازگی تیرتی اوشن بدست اشراق بیاستاد و حتی یک نفر سخته شده است تلگاف سربازان بسیار کم و ثقات اشراق زانود سنگین میباشد و این موضوع در اشقیات دولت است که سربازان داده شده و تحت امانت اشراق کار آورده از وسائلی لازمه استفاده کرده اند. در این خانه اشراق عراقی یکسک اشراق کردستان آمده است و یکی از روسای اشراق عراقی که مورد هدف گوله قرار گرفته و بیایاس خود کشته شده با همان لباس تیر ای دهن کرده است.

از تهران

آقای مدیر محترم نامه کوهستان - اینکه لایحه ایشعانب را در شماره ۲۲ کوهستان درج فرموده اید منوتم چون مفاد آن بدو هدایت برای خبر عوواب است زاید بدانم ایشعانب را بحرف و بیان کرده ام و یاد آورده ام حکم بعنوان تصحیح معهود طمع این معصوم را هم به فرمائید -

در سفر سیاه ستون اول بیست سال قدرت گذشته غط و بیست سال مدت نبرد دوست است - در سفر ۲۳ ستون دوم - و عجب فرالوجه افرا - و غلطاً در سطح و صبح آن - و چه جان ارجوه دامن او در مدت عمرش با اشتیاق تا کار قدرتی که در آنجا خود داشته است آلوده بپوت نشده باشد خواهد بود -

چون جان کلام در این قسمت است تلگراف ثانوی اثر ضرری نخواهد داشت البته همان طور که خاطر صالحه دست مادام که کار نبول کشند و شرع بدست نمایند و امتحانات حسنی اشراق و عملی نهندند که جامعه آگاه کردند نودا ده دوستی آنها بیش از یک الفه خواهد بود -

اعتقاد آنکه با پیوستن اوام و معاضد اشراق اشغاص مبروشی میسر خواهد بود تصدق خواهد بود که با داشتن آگاهی هم امم از فضائی وارداری و قدرت کارمل در زمان تصدی سابق او در بده نشه امه. حتی سوابق او را نیز که عمل اعصاب معزز و مسلم بوده باشد تا بتواند مورد اعتماد جامعه واقع گردد و وجودش برای جامعه مفید باشد - می محمد علی - مشیری

فرمانده کرد چون از هیچ ناحیه ای امید که مساعدتی برای در یافت اسلحه و غیره نداشت صلاح تمهیدیه اراسی دیگری اشغال نودود

جبهه های وسیع جنگی پاک کنند. میدانست که در مقابل توپ و میله و تانک و قوای منظم ترک با تفنگ آهنگ تمکنگی که باید فتنگی از دست دشمن تا مین آورد تومسه جنگ صلاح نیست زیرا میدانست فتنگی از دشمن زون و جبهه بیگانه اشراقی ملوک و برپاد در وقت است. اما لسان اشراق دانسته بود که آواران او درست است داشته و بیگانه دستهای جان بیزار کرد در دریا فداکاری ملون قوای دولتی را در اوسال کردستان فرسوده سازد و بدین وسیله ناله های مظلومه و فریاد اراده خال تا بغیر مدت کرد در دیار تحصیل آزادی ملی و بشری خود بیکوش عالیپان رسانیده بقدر سیاسی و اقتصادی تری که را متزلزل کند.

این روش مورد موافقت هیئت مرکزی خوی بون هم واقع شده بود.

دولت ترکیه در اینجا بزیهان رویه پیشین خود را تعقیب مینمود از جنگهای با لیکان (۱۹۱۱) در نتیجه عدم توجه بشتابنامهای ملی آلبانی منیر به اؤدست رفتن روم ایلی شده و از نشونت با اعراب و اهل بیرجستان جسدال پاشا وزیر دربارده سابق عثمانی در دستن و بهدار آرزیشن روسای اعراب و قیام شرفان متبیه نشده بود در قبال اشکاف هران درمنه از دست دادن سران عثمانی متبیه نشده بود در قبال اشکاف و خیالات بان تواریس خود حاضر بوجود داشتن بنگ سد آریایی تراد در سر راه آلمان ملی خود بود.

یکدیگر متصل میشدند هر سه را لیه آتقایی که در بالای نوک خنجر فراو داشت غرن شجاع خرمید نمود.

در این زمان فرماندهی تهرانی برای از بین بردن شخص فرماندهی کرده شیخ بهر امان منزل تنه بگهان خوش آلقه مدان مغنا میبگردد برای انجام این امور ویت ۵۰۰ و پسر بزرگ بروی مسکینی استباه شده بود ترکها از زمین از سوزخ اشراق آردود در دو حقه مت کرد غافل بودند تصور میکردند با پول زیاد بر زمین مسکین است و بکفر اشراق را در دار به غارت کرد. غایب نمیدانند که کلبه مدارا گشت افرامان در این باب باطباع دستور فرماندهی کرد انجام میبگردد. در هر حال نته مدتی دوام یافت ولی نتیجه ای گرفته نند.

بهار آمده کوه آواران باسزی و غرضی و با گلهای و تگاریک آرایش یافت. این چهارمین بهار بود که این کوه تاریخی از سلسله اختیار دولت تری که خارج نموده بود. فرزندان تیره بارغان آگری با ناما کای برجان بازی ایستادگان کانون ملی و مرکز آزادی کرد سانه پرچم سربانک کرد را بر فراشته معاضدت میگردند این گروه از آزاده ای جنگی بران نود فرماندهان سنگهای آتین بدو غلظت به نقاط مختلفه کردستان بر آگه. گروههای اشراق آرایش من اشغاص حاکمیت میگذا. رانی سوزانید هر کوهی از اشراقستان بک تقلمه آتش سرامی شده بود آتش میرد، میبکشت می موزاید و بنا بدیده آتشی که دستهای آتش نشانی میوزاید بنا بوزای خود بکوه کشانیده عاقبت گرفتار شان ساخته طمه حریز نمینود.

کوهستان

بک پرده از یک تار

بچه ای صفا

بچه ای که بک عبر بلندی و زور کوفی عادت کرده است -
 از بی خیالی ناگوار است در مقابل خود کسانی را ببیند که فراموش
 کنند و مردم حق حیات دارند به شایه شایه و پاهای آن باشد در
 مقابل شایه حق حیات ندارد ولی نه اشتباهات گذشته و آثار آن
 تکلیف مردم باید بدار باشند، مردم باید حق قنونی خود بپذیرند
 شاید شایه خیالی مایل باشد به این مرزا معاد حاکم و آدمی تکبوری
 ما تا بتوانیم سر نوشت مملکت را تاج ایل شایه و اشل شایه -
 توضیح کرد

ما مردم را بیدار میکنیم ما آنها خواهی بماند ایرانی
 باید از برای ما نوان ایران بر سر و در کرد و راهی نیستیم باین
 که شایه از اینمل ما خوشوقت باشید بانگان.
 اگر اینمل ما شایه خوشوقت میکنه شایه خادم وطن می
 دایم و الا ما بطن هسند.
 آقای ویس رکن ۲ ستاد ارتش شایه فرموده است هین ملاقات
 بوائل منصفی آنها رسانیده و بخش شده است
 شایه باین فرمایش خود ثابت فرموده است هنوز تفاوت بین
 روزنامه و شب نامه را نمیدانید، شاید شایه روز و شب راهم از هم
 تشخیص نمیدید.

آقای صبر و روزنامه همراهم نیست در او را می از کافله -
 مطالبی چلی میشود و در دسترس عموم مردم نرا میگیرد دوست
 و دشمن، غوری و بیگانه میتواند آنرا بخرد و بخواند.
 شاید اگر تصور فرموده ای رویه ای، آنکه در صورت مسول
 فرموده است که مردم بدون اجازه فرمانده پادگان آنجا حق خواندن
 روزنامه ندارند، بیوانی در تمام مناطق گردن بین صورت دهد اشتباه
 فرموده است

خواندن روزنامه آزاد است مگر آنکه جناب آقای پیشوا بفرمایند
 قانونی بگذارند که محل و بکجه از روی خردان روزنامه در نواس
 گردن بین صنوع و متعلقات آن آزاد گاه زمان که تسلیم شوند
 چطور برای ما سکین باشند ما این چنین روزنامه ای را
 واند نمیدانید و مورد مخالفت وجود مبارک (ا) نیست ولی برای
 مردمان دور افتاده از مرکز آنرا جریمه فکر و جزیات میدانی و می
 خواهی باگردنی حق رون بفرماید نویسنده آن جرمی مرتکب
 شده، شاید در فرهنگ ما دفاع از حقوق همه مردم کفر باشد ولی در
 آیین ما هین جوار نری است

شایه از مسائل منصفی دزدانید لایه منظور سکا روس
 صریح است بفرموده که روزنامه هارا از تیرین ستاد ۵۰
 میسازند، اگر این است وسیله منصفی که بدان اشاره فرموده است و اما
 خیلی سفارتمندید که با تمام گردن رهای روزانه (ا) این حق داری
 اگر داد فاش شده است که پس از یکماه از جریان اوضاع سر کوشش
 باشند.

آقای ویس رکن ۲ ستاد ارتش شایه فرموده است در مجلس به
 فرمانده لشکر کردستان توهین شده ولی فراموش فرموده بودید
 تا خبری را که به حضرت منقلب توهین وارد آمده است تکلیف فرمایید و به
 علاوه اظهار فرموده و دید در فل چنین توهینی از طرف مقام عالی
 چه انتضای برای اعاده حیثیت ایشان بعمل آمده است شاید اگر
 تاریخ آنچه را که با اصلاح خواندن توهین منیانه اظهار میفرمودید
 حیا زینده میفرمایند دولت را (که دیگر در نامه اقدامی سرای رفع
 اختلاف بعمل آورده) و آنکس بفرموده بودید

آقای ویس رکن ۲ ستاد ارتش ما خوب بداند تمام که مقام
 دزد شد و ما بسیار عرو است ولی در درد بطنی دیگر مملکت
 هرگز تراست زیرا اگر مملکت نباشد مقام هم نیست.

توضیح

دو مقاله ایکه در اینج بوضع کردستان
 دو شماره گذشته چاپ شده بود، هدی از
 تصور کرده اند که آن مخالفان از رکن
 دوم ستاد ارتش دریافت شده است.

برای سرخ توضیح میدهد
 که نظر با هیت مسئله کردستان و از آنجا
 سائن نامه چگونگی آن ساده است که
 میدی بافت ناراحتی آنکاره و وسایل
 آسایش یک قسمت هم کشور ما گرفته به
 خود در آن استاد ارتش فرستادید و نتیجه
 مذاکرات نامعاری که با ویس رکن و رکن
 بود آمد، مخریانه از همه و در حد استناط
 نمود و باید آنرا بصورت یک اعلامیه

در اینصورت که از نتایج بیخانه ایران
 را تخلیه میکنند، در اینصورت که ما دیگر
 آزادانه باید کشور خود را اداره کنیم
 شایه و اصلاح نیست بیوهه آتش جنگ
 بر ما نماند و بیوهه مخارج جنگی سر
 خراخه دولت تحصیل کنیم وقت آن است
 که هوما صیبا به نام بسوی یکصف
 عالی عظمت کشور پیش رویم اختلافات
 داخلی باید ایجاد نشود بجای تهیه زینت
 فلان باید دوستی برادری توثیک کرده
 بجای خیانتکاری باید در اصلاح و آبادی
 مباحثت نمود.

سکه این مملکت ایرانی هستند و
 آرزوی آنها این است که در ایران آباد
 و آرومند زندگی کنند چه در ادب که
 برای نیل بیان آرزو و آسماش مشرک
 هکی از خود صمیمیت و خلیقت نشان دهند
 آنجا یکگه شامه خود را بعد در سر دست
 دارند آنجا یکگه قانون مملکت خود را
 محترم بشمارند آنجا یکگه در هیچ موضی
 از بیگانه ای و نداداری خود داری نیکنند
 میبینیم هیت موافق در میان دیگر ملزانی
 سر بیانده نبر اما نباید از دیگران سر متق
 بگرییم

تالی نامه

از شماره ۵۸۲۶ اطلاعات
 کوهستان - در صورتی که بن شرح
 صحیح باشد ما بر روزنامه اطلاعات هم مترجم
 که برآورد نگارش برآورد به غیر نگار
 خودی وادر سر نامه چاپ و از همان
 و امتوش چاپ.

نامه از مدیر اداری کردستان

آقای مدیر روزنامه کوهستان
 منصفنا بصفه شماره ۱ آن نامه
 که از اصالت و رفتار ستوان ۱ فولادونه
 فرمانده گرهان منتهج شکایت فودانه است
 چون مسلما مشهوره و هدف آن جریه و رفع
 نواصی اداری و ماییم مأمورین دولتی
 در سینه ج و از طریق بنظر بنید نیست که
 اشخاص روی افسرین شخصی بهمانی
 نوده و مفسر آن جریه را از اطفال کل
 باشند علیها خواهشمند مقرر فرماید
 اشخاصی که از اشکایت دارند به این هک
 معرفی که طریق مقرر را اقدام کرده و اگر
 مأمورین دولت هم گما اسرار و اشخاص
 پاکه بیشتر با بستی به حیثیات و شئون خود
 ملاحظت باشند.

فرمانده هک مستقل و اداری
 کردستان - سر هک مبرند رکن
 کوهستان - در این صفت باز هم
 اظهارات خود به قضی راجع به ستوان ۱
 فولادونه رسیده از آنجا که اداره کل
 و اداری از تاریخ انتشار کوهستان
 نسبت بندرجات آن توجه مخصوص داشته
 و اصلاح طلبانه بنظر کرات صیبا تریت
 و اداری برای اینکه اشکالات خود هم پیش
 از این وجه اصلاح موجب دست بندی نامه
 که هدی از موافق و هدی مخالفان نامه
 مکتبه کشته تفاوت و رسیده گری بهمه
 اداره کل و اداری و ا شدار منیالیم
 اقرار داریم منصفنا تفاوت و اقدام
 نماند.

آزمی

با یک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند با سر وقت مراجعات
 بانگی شود و از انجام دهند علاوه بر شمشیر مرکزی و شعبه بازار بازنده باجه در هفتاد
 مختلف شهر باز کرده است.
 این بابها ما حیثیات قوی را مانته با یک مرکز انجام میدهد،
 ۱ - باز کردن حساب جاری،
 ۲ - باز کردن حساب پس انداز،
 ۳ - قبول برات همیه شهر ستانها و تهران برای وصول،
 ۴ - صدور حواله بستی و تفکراتی هدی هدی هوانا بنده گیها
 با یک ملی ایران و دیگر دو جبارده شهر ایران شیه و ساید گی دارد
 با یک ملی ایران که یک بنک ملی ایرانی است گوشش میکند تا زهر حبت
 وضایت مشربان محترم خود را جاب بنیاه و از آن جهت از عموم آنها شیه میکند
 چنانچه محضرم رضایت از ماییم با یک و یا سلوک کارستان آن داشته باشند
 مراتبدا فوراً بر تریس شده و باید اداره از سر کل در اداره مرکزی خیابان فردوسی
 اطلاع دارند
 در تمام باجه ها و شیه ها و نایند گیهای با یک میتوان حساب پس انداز
 باز کرد
 منطبق پس انداز ملی دو هر سال بالغ هدیای برسم جباریه بین دارندگان
 حساب تسلیم مینماید.
 ش. ۷۲
 ۲ - ۲